

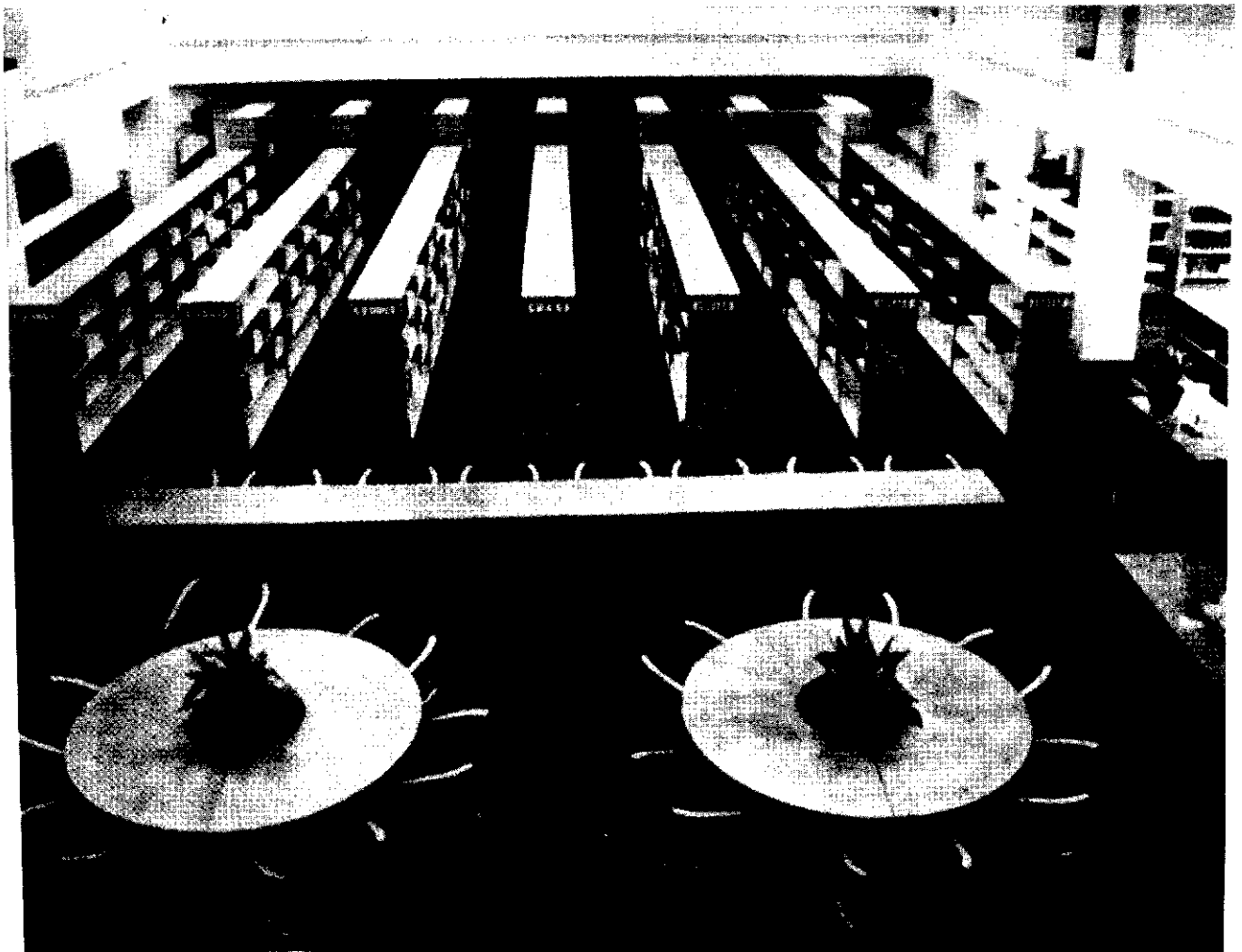


تخصص موضوعی در کتابخانه تخصصی دانشگاهی

بت لایبمن گیبزا^۱

ترجمه: اشرف السادات میرشاهزاده^۲

مربی گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان



دوازده کتابدار با تخصص موضوعی از نقاط مختلف در محدوده سه گانه پژوهشی کارولینای شمالی مورد مصاحبه قرار گرفتند. شش تن از آنها دارای مدرک کارشناسی ارشد علوم کتابداری با مدارکی بالا در رشته‌های دیگر بودند که مشغول کار کتابداری بودند. شش نفر دیگر منحصراً مدرک

«این مقاله به عنوان رساله کارشناسی ارشد دانشکده علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل، مارس ۱۹۹۲ تهیه شده است. این مطالعه شامل شرح کاملی از یک سری مصاحبه‌ها است که با کتابداران متخصص در سازمان‌های تخصصی صورت گرفته است.



روش:

دوازده کتابدار متخصص برای مصاحبه انفرادی انتخاب شدند. از آنجا که اطلاعات علمی بسیار تخصصی است و در بررسی متون مربوطه معلوم گردید که داشتن تخصص موضوعی امتیاز محسوب می‌شود به همین دلیل کتابخانه تخصصی علمی به عنوان یک زمینه اثربخش که در آن تأثیر دانش تخصصی را می‌توان مشخص نمود انتخاب شد.

بیشتر آزمودنی‌ها عضو وابسته انجمن کتابخانه‌های تخصصی کارولینای شمالی بودند؛ و آزمودنی‌های دیگر از طریق توصیه‌های شخصی انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به طور تصادفی انتخاب نشدند. شش تن از آنها دارای مدرک کارشناسی‌ارشد علوم کتابداری و مدرک تخصصی در رشته‌ای بودند که کار کتابداری را در آن حوزه انجام می‌دادند و شش تن دیگر فقط مدرک کارشناسی‌ارشد علوم کتابداری داشتند و مدرک تخصصی دیگری نداشتند.

یافته‌های پژوهش:

متخصصان غیرموضوعی^۲: هر شش متخصص غیرموضوعی دارای درجه کارشناسی‌ارشد در علوم کتابداری بودند و هیچ‌گونه تحصیلات تخصصی به جز طی دوره‌های دبیرستانی یا دانشکده‌ای نداشتند.

هنگامی که از متخصصان غیرموضوعی درباره اولین روزهای کارشان سؤال شد، پژوهشگر انتظار داشت که آنها بگویند خواندن مجلات متعدد و بررسی کتابهای علمی را به منظور آماده شدن برای کار ضروری می‌دانستند اما فقط در مورد یک موضوع گفته شد که مطالعات مقدماتی انجام شده که آن هم یک کتاب درسی بوده است. آزمودنی‌ها دلایل متفاوتی را برای داشتن آمادگی بدون دانش موضوعی خاص بیان کردند. جالب توجه است که نیمی از آنها در طول دوران تحصیل در رشته کتابداری مدتی را به عنوان کارورز در محل کار فعلی خود صرف نمودند، بنابراین قبلاً با مجموعه کار و موضوع آن به طریقی آشنا شده‌اند.

دو تن از آزمودنی‌ها بیان داشتند که بسیاری از سؤال‌های مرجع که آنها دریافت نموده‌اند از طریق استفاده از منابع اصلی مرجع قابل پاسخ دادن هستند لذا نیاز به آمادگی فوق‌العاده‌ای نیست. یک آزمودنی اظهار داشت، «من کار زیادی انجام ندادم

کارشناسی‌ارشد علوم کتابداری داشتند. پژوهشگر تفاوت روش کار را بین آنهایی که دانش موضوعی داشتند و آنهایی که فاقد آن بودند مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها مبین این مسأله بودند که هر دو گروه از کتابداران توانایی پاسخ به سؤالات مرجع و ارائه خدمات تخصصی را داشتند و ضمناً هر دو گروه توانایی‌های یک کتابدار را دارا بودند. پژوهشگر اثبات کرد که اگر چه تخصص موضوعی در بسیاری از محدوده‌های علمی مفید است اما برای ارائه خدمات مفید در یک کتابخانه تخصصی علمی چندان ضروری نیست».

مقدمه:

کتابخانه‌های دانشگاهی یا عمومی اغلب به دنبال جذب کتابداران متخصصی هستند که دارای اطلاعاتی در سطح علوم پایه باشند و سازمانهایی که دارای کتابخانه‌های تخصصی هستند بر این باورند که اگر کتابدار تخصص موضوعی^۳ در رشته‌ای خاص داشته باشد خدمات بهتری را می‌تواند ارائه دهد. در کتابخانه‌ها، تخصص موضوعی به معنای تجربه یا آموزش کافی در رشته‌ای خاص علاوه بر دانش کتابداری است. در این مقاله در می‌یابیم که چگونه تخصص موضوعی بر کتابخانه اختصاصی و کتابدار متخصص تأثیر می‌گذارد. معروف است که «ارزش یک کتاب از نمایه آن پیدا است». به همین ترتیب، ارزش یک کتابخانه بستگی به کتابداری دارد. سطح دانش یک کتابدار بر کلیه جنبه‌های کار کتابداری او تأثیر می‌گذارد و اگر به جای درک سطحی، درکی جامع از موضوع داشته باشد، تأثیر تخصص موضوعی بر هر یک از جنبه‌های کار کتابداری تفاوت معناداری خواهد داشت. بهترین عاملی که بتواند خدمات با ارزش کتابداری را پیش‌بینی کند، خود کتابدار با دانشی غنی از علوم کتابداری است. در بررسی مربوط به نقش تخصص موضوعی سؤال پژوهش این است: با داشتن مدرک تخصصی در یک رشته، چه پیشرفت یا رفتار ارتباطی ویژه‌ای با مراجعین می‌توان داشت؟ پیشینه‌های مربوط به موضوع پراکنده هستند بنابراین با کتابداران نمونه از هر رشته مصاحبه‌های انفرادی انجام شد که امید می‌رود اطلاعات جمع‌آوری شده از این مصاحبه‌ها نتایج این بررسی را تأیید نماید.



زیرا از منابع دیگری که اینجا روزانه استفاده می‌کنیم اطمینان داشتیم. بسیاری از سؤال‌هایی که از ما می‌شود میان رشته‌ای^۵ هستند یا نیاز به استفاده از منابع استاندارد مرجع دارند که در هر شرایطی قابل استفاده می‌باشد.

از متخصصان غیرموضوعی خواسته شد تا بگویند چگونه با واژه‌های موضوعی خاص یا غیرمصطلح کار می‌کنند. کلیه آزمودنی‌ها اظهار کردند که هنگام رویارویی با واژه‌های غیرمصطلح رشته یا موضوع مشکل داشته‌اند. یکی از آزمودنی‌ها ذکر کرد که، «مطمئناً در این مورد مشکل وجود خواهد داشت، حتی در کتابخانه عمومی که تقاضاها کلی و عمومی است چنین مشکلی وجود دارد. وقتی چیزی را نمی‌دانید باید اذعان کنید». کلیه آزمودنی‌ها بیان داشتند که بیشتر اوقات به راحتی از مراجعه‌کننده معانی واژه‌ها را پرسیده‌اند. «بستگی به این دارد که چگونه از من سؤال شود. اگر شخص مقابل من ایستاده باشد از او معنی کلمه را می‌پرسم؛ اگر مطمئن نباشم که معنی آن چیست اما قبلاً شنیده باشم معمولاً نمی‌پرسم».

یکی دیگر از آزمودنی‌ها اظهار داشت روشی که او در این گونه موارد اتخاذ می‌کند بستگی به چگونگی تضاد او درباره شخصیت مراجعه‌کننده دارد. به طور مثال اگر فرد مراجعه‌کننده به نظر تندخو و عجول بیاید، او بعداً به دنبال کلمه خواهد گشت یا از کسی دیگر خواهد پرسید. کلاً به نظر می‌رسد کلمات غیرمصطلح وجود دارد و برای متخصصان غیرموضوعی گاهی مسأله‌ساز بوده است. اگر چه واژه‌های تخصصی وقتگیر و مشکل‌آفرین هستند اما نتیجه اغلب رضایت‌بخش است و اغلب به سؤال پاسخ داده می‌شود. یک کتابدار گفت که، «اگر دارای ذهنی آزاد باشید به سرعت یاد می‌گیرید».

اما در این مدت ناراحت‌کننده چه اتفاقی روی می‌دهد، منظور همان موقعی است که کتابدار می‌داند سؤال را نمی‌فهمد؟ از متخصصان غیرموضوعی سؤال شد آیا هیچ کم‌حوصلگی یا احساس منفی در افراد مراجعه‌کننده دیده‌اند یا خیر؟ همه آزمودنی‌ها به جز یک نفر این احساس را داشتند. «آنچه فهمیدم این است که گاهی اوقات اطلاعات مورد نیاز را یا بی‌میلی به من می‌دهند زیرا مراجعه‌کننده هیچ تصور مشخصی ندارد که: الف) آنچه منظور آنهاست نمی‌فهمم، یا،

ب) نیاز به فهمیدن ندارم». استفاده از کلمات غیرمصطلح مجدداً مطرح شده؛ کتابداران زمانی که معانی بعضی از واژه‌ها را تشخیص نمی‌دادند بلافاصله یک احساس منفی پیدا می‌کردند. «بله گاهی مردم فکر می‌کنند من نمی‌دانم چه می‌کنم، اما باید ادامه داد و نهایت سعی خود را نمود».

آزمودنی‌ها این مطلب را بیان کردند که بعضی از افراد به دلیل ماهیتشان باعث می‌شوند که آنها احساس بی‌کفایتی نمایند. «من کمی واگرم اما می‌توانم به حساب دیدگاه انسان از زندگی گذاشت. بعضی از مردم چنین هستند - زندگی چنین است». از طرف دیگر آزمودنی‌ها ذکر کردند که اغلب مراجعه‌کنندگان از این که درباره پژوهش خود بحث کنند و نیازهای اطلاعاتی خود را شرح دهند خوشحال می‌شوند، حتی اگر وقت زیادی بگیرد و وارد جزئیات شوند. یک کتابدار گفت، «بیشتر اوقات افرادی که به اینجا می‌آیند از این که شما درباره آنچه آنها صحبت می‌کنند چیزی بدانید تعجب می‌کنند و از این که شما نظری کلی درباره موضوع آنها داشته باشید خوشحال هستند. من هرگز خسته نشده‌ام - بیشتر افراد از این که درباره پژوهش خود برای من صحبت کنند خوشحال می‌شوند». بنابراین اگر چه متخصصان غیرموضوعی گاهی با مراجعین کم‌حوصله و دارای احساس منفی برخورد می‌کنند اما معمولاً تجربیات خوب بر تجربیات بد برتری دارد.

همچنین از متخصصان غیرموضوعی سؤال شد آیا هیچ‌گونه تفاوت جایگاه بین خودشان و مراجعین احساس می‌کنند؟ همه شش آزمودنی زمانی با این مسأله روبرو شده بودند. تعداد کمی از آزمودنی‌ها این گونه موقعیتها را به شخصیت مراجعین خاص ارتباط داده بودند: «بعضی از افراد ما را به عنوان همکار خود تلقی می‌کنند و بعضی دیگر خیر - این بستگی به افراد دارد. گاهی اوقات با کسانی روبرو می‌شوید که فکر می‌کنند شما مانند آدم ماشینی هستید یا کار منشی‌گری می‌کنید». آزمودنی‌ها اظهار داشتند که افراد دانشمند همه افراد اجرایی را با تحقیر نگاه می‌کنند ولو این که منشی، کتابدار یا مدیر اداره باشند.

«روزی با یک مراجعه‌کننده صحبت می‌کردم. او از مشاهده این که من دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی در حد کارشناسی ارشد هستم تعجب کرد. تصور می‌کنم این نگرشی غیرعادی نباشد». کتابدارانی که با آنها مصاحبه شد به نظر



بودند که داشتن دانش سطحی اغلب برای پاسخ به یک سؤال به طور کامل کافی نیست اگر چه همه می‌دانند که کسب دانشی جامع امکان‌پذیر نیست.

متخصصان موضوعی^۴

انواع مدارک تحصیلی که شش آزمودنی داشتند عبارت بودند از، دکتری در پرستاری، داروسازی و دیگر مدارک متعدد کارشناسی ارشد. کلیه آزمودنی‌ها در محل‌هایی کار می‌کردند که می‌توانستند مستقیماً از تخصص موضوعی خود استفاده نمایند.

از متخصصان موضوعی ابتدا خواسته شد تا مسیری را که برای کسب مدارک تحصیلی بالا طی کرده و انگیزه‌ای که برای هر یک داشته‌اند را مورد بحث قرار دهند. تمامی شش آزمودنی پس از این که مسیرهای آموزشی و کار متعددی را امتحان کرده بودند سرانجام درجه کارشناسی ارشد در علوم کتابداری گرفتند. همان‌طور که «بلو»^۴ شرح می‌دهد بسیاری از کتابداران که دارای دو مدرک هستند به دانشکده کتابداری می‌روند زیرا نسبت به اولین انتخاب شغلی خود آگاهی پیدا کرده و یا نارضاضی هستند که این مسأله در گروه مورد پژوهش نیز صادق بود. در بسیاری از موارد، آزمودنی در رشته تخصصی خود به مدت پنج تا ده سال قبل از این که به دانشکده کتابداری برود کار کرده بود. کتابداران دارای درجه دکتری با مشکلات کاری جدی روبه‌رو شده بودند. رشته پژوهشی یکی از متخصصان موضوعی به تدریج فراموش شده بود. دیگری از معیارهای پژوهش علمی فعلی نارضاضی بود؛ ولی به هر حال دانشکده کتابداری راهی برای تغییر شغل وی بود حتی اگر فضای پژوهشی از نظر وی مطلوب نباشد. تنها دلیلی که متخصصان موضوعی داشتند عدم رضایت از شغل قبلی بود. افراد در رشته‌ای دیگر تحصیل می‌کنند و می‌خواهند تغییر شغل دهند و این باعث می‌شود دانش و علاقه‌ای را که قبلاً داشتند بتوانند دنبال کنند. «من توان ماندن در حرفه پرستاری را برای تمام عمر نداشتم بنابراین به دنبال شغلی گشتم که آنقدر طاقت‌فرسا نباشد». آزمودنی دیگر اظهار داشت، «من فکر کردم دانشکده کتابداری محل خوبی برای بکارگیری دانش قبلی خواهد بود». شغل کتابداری یک فرصت شغلی را پدید آورده است.

می‌رسید چنین احساسی دارند و این را بخشی از کار خود به حساب می‌آورند و چیزی است که آنها عادت دارند با آن روبرو شوند به نظر نمی‌رسید احساس منفی آشکاری داشته باشند بلکه بر عکس دریافتیم که آزمودنی‌ها در رویارویی با این اختلاف جایگاه، در حال پیدا کردن راه‌حل بودند. یک آزمودنی اظهار داشت، «افراد ممکن است عدم همکاری داشته باشند اما در مجموع زمانی که سؤال را پرسیدند برای دریافت جواب آن همکاری بیشتری خواهند نمود. البته افراد زیادی هستند که هیچ سؤالی نمی‌پرسند و شاید علتش این باشد که فکر می‌کنند ما نمی‌توانیم به آنها کمکی بنماییم». بسیار جالب بود که آزمودنی‌ها یک جنبه از کارشان را که مایوس‌کننده و تهدیدکننده بود به صورت یک امر مثبت و راه‌گشا در آورده بودند.

آخرین سؤال جداگانه‌ای که از متخصصان غیرموضوعی پرسیده شد ناشی از تجربه شخصی پژوهشگر بود. بدون آموزش تخصصی، من به عنوان یک جستجوگر زیست‌پزشکی در نظام اطلاع‌رسانی پیوسته^۵ کار کردم. موارد کمی وجود داشت که مشکلی پیش بیاید و من بیش از یک متخصص موضوعی برای حل آن وقت صرف نمایم. اما این امر برای من مشکلی شده بود که چرا افراد جستجوکننده خیلی مایلند تا در مورد معانی و مفاهیم اطلاعات پیدا شده نیز به بحث بپردازند و در این حالت بود که موضوع برای من کمی ناراحت‌کننده می‌شد.

همه آزمودنی‌ها این مسأله را نیز زمانی تجربه کرده بودند. بعضی‌ها اظهار داشتند که فکر نمی‌کردند لازم است همیشه هر چیزی را به طور کامل درک کنند. «نیازی نیست که همه قسمتهای نظام^۶ ایمنی را بدانم تا یک جستجوی پیوسته انجام دهم». تعداد کمی از آزمودنی‌ها درباره اهمیت واکنش مراجعه‌کننده در این شرایط صحبت کردند. «شما می‌خواهید که مراجعه‌کننده به شما بگوید بله جواب را پیدا کردید. من جایی که واقعاً نمی‌دانم آنچه را شما می‌خواهید پیدا خواهم کرد یا نه به دنبال اطلاعات می‌گردم». آزمودنی دیگر اظهار داشت، «شما قرار نیست در سطح دانش و اطلاعات این افراد باشید - باید این را بپذیرید و از پرسیدن سؤالیهای آنها احساس بدی نداشته باشید. کسی از شما توقع ندارد که میزان دانش در سطح آنها داشته باشید». آزمودنی‌ها از این مسأله ناراحت



نمونه بارز انتخاب‌ها و اهداف هر فرد در محل‌های مختلف در هر زمان، ترتیب کسب مدارک تخصصی است. تعداد کمی از آزمودنی‌ها در کتابخانه‌ها به طور فشرده کار کرده یا همکاری نزدیک با یک کتابدار داشته‌اند که هدفش تحصیل در دانشکده کتابداری بوده است. «من وقت زیادی را در کتابخانه‌ها صرف گردآوری کتابشناسی کردم و با کتابداران علوم که مشوق من برای رفتن به دانشکده کتابداری بودند دوستی برقرار کردم - من به یک تخصص برای کسب درآمد نیاز داشتم». آزمودنی دیگر شغل کتابداری را از طریق مشاوره شغلی پیدا کرده اما در تمام موارد کلیه آزمودنی‌ها وقت، هزینه و انرژی خود را در اولین انتخاب شغلی صرف نمودند. زمانی که تجربه واقعی در کار پیدا کردند دانستند که نیاز به انتخاب دیگر دارند و به دنبال کار کتابخانه رفتند.

همچنین از متخصصان موضوعی سؤال شد آیا درباره مدرک تخصصی خود به هیچ طریقی تبلیغ کرده‌اند. به طور مثال ممکن است فرد مدارک تخصصی خود را روی کارت شغلی^{۱۰} خود بنویسد یا مدرک خود را روی دیوار دفترش نصب نماید. پنج تن از آزمودنی‌ها به هیچ وجه تبلیغی در این زمینه نکرده بودند. آزمودنی‌ها گفتند خیلی متواضع هستند و نمی‌توانند چنین کاری بکنند. یکی از کتابدارها می‌خواست مدارکش را روی کارت شغلی بنویسد اما به او گفتند که فلسفه این بخش چنین نیست که درجات تحصیلی در کارت شغلی نوشته شود و کسی این کار را نمی‌کند لذا او نیز منصرف شد. «اگر چه در همان سازمان، پژوهشگران بالینی مدارک تخصصی خود را در کارت ویزیت می‌نویسند. بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌توان کرد که کار کتابخانه از حمایت پایین‌تری برخوردار است.

یکی از آزمودنی‌ها که دارای مدارک متعددی بود و هیچ کدام نیز به هم ارتباط نداشتند گفت، «من مدرکم را روی دیوار نصب نمی‌کنم زیرا از مسیر شغلی خود ناراضی هستم و مسیر مناسبی در زندگی نداشتم، لذا نمی‌خواهم این مسأله را خیلی آشکار نمایم». کتابدار دیگری با مدارک تخصصی بالا که شهرت خوبی هم داشت گفت، «حتی اگر کارت شغلی داشتم مدارج تحصیلی خود را در آن نمی‌نوشتیم. مردم مرا به عنوان یک متخصص و کتابدار می‌شناسند». فقط یک کتابدار بود که با افتخار مدارج و مدارک تخصصی خود را اعلام می‌کرد. «من

مدرکم را روی دیوار نصب نموده و مدارج تخصصی‌ام را در کارتهای شغلیم می‌نویسم، وقتی چنین مدرکی به من داده می‌شود چرا آنها را نشان ندهم. یکی از نتایج این کار این است که نشان می‌دهد از چه موانعی عبور کرده‌ام تا بدین جا رسیده‌ام اما نحوه استفاده از این مدرک است که ارزش دارد».

در بررسی گروه مراجعه‌کننده مشخص شد که در بیشتر موارد، متخصص موضوعی از دانش تخصصی بیشتری نسبت به مراجعه‌کننده برخوردار بود. از آزمودنی‌ها سؤال شد آیا سطح دانش آنها برای مراجعه‌کننده ناراحت‌کننده بوده است. همه آزمودنی‌ها از این سؤال تعجب کردند؛ به نظر می‌رسد که قبلاً در چنین موردی فکر نکرده بودند. بعضی از کتابداران گفتند که توجه دقیقی به این مسأله داشتند که در بعضی موارد دانش بیشتری دارند و از معنی کلماتی که آنها انتخاب کرده‌اند و رفتارشان در بعضی موقعیت‌ها اطلاع زیادی پیدا کردند. «من کاری نمی‌کنم که موجب تحقیر دیگران شود. در سطحی صحبت می‌کنم که برای همه قابل درک باشد و به جای استفاده از واژه‌های تخصصی خاص از کلمات غیر تخصصی و معمولی استفاده می‌کنم».

در کلیه موارد، آزمودنی‌ها هیچ موردی را به خاطر نمی‌آورند که سطح دانش آنها برای مراجعه‌کننده ناراحت‌کننده باشد. «هرگز با چنین مسأله‌ای روبرو نشده‌ام. بیشتر مراجعین من حتی از مدارک بالای من اطلاع ندارند». ممکن است این خود دلیل عدم نگرانی مراجعه‌کننده باشد. بیشتر مراجعین از درجات تخصصی کتابدارانی که به آنها خدمات می‌دهند اطلاعی ندارند. (کتابداری را به خاطر آورید که گفته بود نمی‌تواند درجات تخصصی‌اش را در کارتهای شغلی بنویسد. حتی آنهایی که مایلند مراجعین را از دانش خود مطلع سازند نمی‌توانند چنین کاری را بکنند تا مراجعه‌کننده خود را در شرایط بهتری قرار دهد).

در پاسخ به این سؤال که آیا دانش موضوعی کتابداران به آنها کمک می‌کند تا خدمات ویژه‌ای را ارائه دهند، پاسخهای آزمودنی‌ها محدود بوده است. بیشتر آنها پاسخ دادند از آنجا که با موضوع آشنایی داشتند به سؤلهای مرجع راحت‌تر و سریعتر پاسخ می‌دادند. «من واژه‌هایی را می‌دانم و نحوه کار در آن مجموعه را نیز می‌دانم و این در واقع توانایی پاسخ به بعضی سؤاله‌ها را به من می‌دهد». در مورد جستجوی سوابق به



مطالعه مطالب علمی بیشتر خود را برای شغلشان آماده نمی‌کردند. بعضی از آزمودنی‌ها اظهار داشتند که به نظر آنها لازم بود مروری بر اطلاعات علوم کتابداری بنمایند. «من قبلاً مطالعات پزشکی می‌کردم اما در واقع باید به علوم کتابداری محدود شوم». متخصصان غیرموضوعی پاسخهای متعددی دادند. همان‌طور که قبلاً ذکر گردید، بعضی از آنها قبل از شروع به کار تمام وقت به عنوان کارورز پزشکی کار کرده بودند، بنابراین از قبل با مطالب و موضوعات درسی آشنا بودند. دیگران فرهنگ لغات تخصصی را نگاهی کرده، کتابهای مرجع واژه‌شناسی و منابع موضوعی استاندارد را بررسی نموده یا مجلات ابتدایی را در رشته خود مطالعه کرده بودند. به طور کلی متخصصان غیرموضوعی برای آماده کردن خود برای شغل‌هایشان وقت زیادی صرف نکردند.

وقتی از کل گروه درباره راههای دیگری که خود را برای کارشان آماده می‌کردند سؤال شد، به نظر می‌رسید پاسخ‌هایشان ربطی به سوابق آموزشی آنها ندارد همه آزمودنی‌ها مدت زیادی در سمینارهای حرفه‌ای مانند آنهایی که توسط دیالوگ (Dialog) و BRS [شرکت خدمات بازاریابی کتابشناختی]^{۱۲} ارائه شد شرکت نمودند تا مهارتهای خود را برای جستجوی اطلاعات به طور پیوسته تقویت نمایند. اگر چه متخصصان موضوعی دانش درک اطلاعات اصلاح شده توسط این جستجوها را دارند اما به اندازه متخصصان غیرموضوعی در این زمینه نیاز به کارآموزی دارند. هر یک از آنها سمینارهای انجمن‌ها را ذکر کردند مانند سمینارهایی که توسط انجمن کتابخانه پزشکی یا انجمن کتابخانه‌های اختصاصی انجام شد که گاهی در آن شرکت می‌کردند.

یکی از متخصصان غیرموضوعی راه مستقیمی برای یادگیری رسم کار در محل جدید کار خود می‌دانست. او قرار ملاقات‌های طولانی با مدیر هر کتابخانه اصلی می‌گذاشت. در مدت مصاحبه نیازهای اطلاعاتی تخصصی را مورد بحث قرار می‌داد. و از او می‌خواست هر کمکی می‌تواند بنماید. «آنها از صحبت با من می‌ترسیدند و از فرصت بدست آمده برای تشریح پژوهش خود استقبال کرده و راههایی را که من می‌توانستم به آنها کمک نمایم متذکر می‌شدند». دیگر متخصصان غیرموضوعی گفتند که به صورت بحث در زمینه نتایج یک جستجوی پیوسته و با از طریق یک مصاحبه عمیق

صورت پیوسته، کتابداران هنگام جستجو در رشته خود می‌توانستند بگویند کدام واژه مهم و کدامیک بی‌اهمیت است. دو تن از آزمودنی‌ها گفتند مدارک بالا، آنها را قادر نمود تا خدمات ویژه ارزنده‌ای را ارائه نمایند. یکی از آنها اظهار داشت که توانسته بود بعضی نمونه‌های گیاهی را شناسایی نماید و مراجعین اغلب نمونه‌هایی را برای تشخیص نزد او می‌آوردند. این آزمودنی همچنین در یک رشته مربوط به گیاه‌شناسی که افراد کمی از آن آشنایی دارند سخنرانی‌هایی داشته است. کتابدار دیگر مسؤل پیگیری پژوهش کل سازمان براساس یک مبنای اطلاعاتی است که خودش ابداع کرده است. این آزمودنی همچنین مجلات علمی زیادی را مطالعه کرده و برای پژوهشگران مقالاتی را که می‌دانند مورد علاقه آنهاست می‌فرستد. مراجعین دائماً برای کمک گرفتن در حل مشکلات پژوهش به این کتابدار مراجعه می‌کنند. این گونه خدمات بدون دانش قوی تخصصی امکان‌پذیر نیست.

پاسخهای گروهی:

برای این قسمت از آزمودنی‌ها بدون در نظر گرفتن سوابق آموزشی آنها سؤالی شد که مشخص شود تفاوت عمده‌ای بین دو گروه وجود دارد یا نه.

همه آزمودنی‌ها در پست فعلی خود از ۱۸ ماه تا ۱۴ سال سابقه کار داشتند. اطلاعات مربوط به دستمزد ماهانه از کنترل یک سری اطلاعات موجود بدست آمد. گزارشها نشان داد که میزان دستمزد ماهانه برای مدرک بالا در این گروه تفاوت چندانی نداشته است. بعضی از کتابداران با دو مدرک کارشناسی ارشد^{۱۱} از کتابدارانی که حتی دوره‌های علوم پایه پیش‌دانشگاهی را نیز نگذرانده‌اند دستمزد کمتری دریافت می‌کنند. البته میزان دستمزد تا حد زیادی بستگی به مؤسسه مربوطه و مدت زمان اشتغال فرد دارد. اگر چه پژوهشگر معتقد بود میزان دستمزدها در بعضی حالات تحت تأثیر سطوح تحصیلی قرار می‌گرفت ولی به طور کلی چنین چیزی نبود.

از آزمودنی‌ها سؤال شد چگونه برای این پست‌ها خود را آماده کردند. سؤالا در این قسمت بر اقدامات ویژه‌ای مانند مطالعه مطالب کاربردی و شرکت در دوره‌های علمی متمرکز بود. تعجب‌آور نیست که بدانیم متخصصان موضوعی با



ارجاعی با مراجعین خود گفتگوهای غیررسمی داشتند.

از آزمودنی‌ها خواسته شد تا برداشت شخصی خود را از میزان دانشی که درباره موضوع دارند در نظر بگیرند که آیا آن را از طریق تحصیلات یا تجربه بدست آورده‌اند. نظر عمده‌ای که بیان شد عبارت بود از: من از سطح دانشی که دارم راضی هستم اما همیشه چیزهای زیادی برای یادگرفتن وجود دارد. «اگر دانش بیشتری درباره موضوع داشتم بسیار مفید بود، اگر چه سابقه من در زمینه‌های دیگر خیلی چیزها را جبران می‌کند، اما همیشه نیاز به یادگیری بیشتر است و در یک چنین شغلی جالب است بدانیم که اگر از یادگیری بیشتر لذت نبرید به یک کتابخانه تعلق ندارید!» متخصص غیرموضوعی دیگری اضافه می‌کند که، «خیلی خوب بود اگر همه چیز را به طور کامل می‌دانستم، اما موارد کمی پیش می‌آید که یک درخواست را درک نکنم». متخصصان موضوعی نیز با کمی اضافات و تغییرات به همین طریق پاسخ دادند.

یکی از آنها گفت که به عنوان یک متخصص موضوعی و یک کتابدار، باید در دو رشته مهارت داشت. «یک مدرک دکتری درجه‌ای بسیار تخصصی است بنابراین مطالب زیادی وجود دارد که من نمی‌دانم. شما باید تمایل به یادگیری و طبیعتی کنجکاو داشته باشید اما من تصور نمی‌کنم که در رشته علمی خودم مهارت کافی داشته باشم. اما رشته من چیست، علوم پایه یا علوم کتابداری؟ من واقعاً نمی‌دانم. اما به عنوان یک متخصص باید در علوم کتابداری مهارت داشته باشم تا بتوانم بهترین خدمات را ارائه دهم و باید بهترین باشم». متخصص موضوعی دیگری اظهار می‌کند که، «رشته من آنقدر گسترده است که حتی با درجه دکتری مطالب زیادی هست که هیچ درباره آنها نمی‌دانم. در زمینه‌های اختصاصی‌تر فقط می‌توان پرسشی انجام داد و مطمئناً هیچ کس نمی‌تواند در هر زمینه‌ای متخصص باشد». بنابراین به نظر می‌رسد علیرغم سابقه تحصیلات تخصصی، کتابداران به میزان دانش موضوعی و توانایی پاسخ به سؤال‌ها اعتماد داشتند.

قدرت:

سؤال‌ها از مبحث «شکست قدرت در جریانهای مدیریتی» کانتر^{۱۳} تنظیم گردید تا میزان قدرتی را که هر فرد در سازمان دارد بدون این که آزمودنی مقصود سؤال را بدانند

مشخص کند. انتظار می‌رفت بین دو گروه تفاوت‌های مشخص وجود داشته باشد اما پاسخ‌ها در مورد همه آزمودنی‌ها همسانی کامل داشتند. از آنجایی که ارتباط مستقیم با امور مالی اغلب معیاری برای قدرت می‌باشد، از آزمودنی‌ها سؤال شد آیا هیچ اختیاری در مورد بودجه خود دارند یا نه. کلیه آزمودنی‌ها گفتند هیچ اختیاری ندارند مگر زمانی که بخواهند مقامات بالاتر را در مورد نیازهایشان با پیشنهادهایی توجیه نمایند. همچنین از آزمودنی‌ها به عنوان یک معیار قدرت و مسؤلیت در یک سازمان سؤال شد چند کارمند زیردست دارند. فقط دو آزمودنی از هر گروه کارمند زیردست داشتند و دیگران نداشتند. در گروه متخصصان غیرموضوعی تعداد افرادی که تحت نظارت بودند کم بود. یک فرد حرفه‌ای نیمه‌وقت و یک فرد حرفه‌ای تمام‌وقت که هیچ یک تحصیلات علمی نداشتند. متخصصان موضوعی افراد بیشتری را تحت نظارت داشتند (هفت تا ده) و اغلب افراد تحت نظارت آنها دارای درجات زیرلیسانس در رشته‌های خدمات کتابداری بودند.

سه سؤال دیگری که از کار «کاتر» پاسخهای مشابه دریافت کرده و نتایج مشابهی را ارائه داده بود عبارت بودند از: (۱) فکر می‌کنید برای کاری که انجامش در کتابخانه ضروری است به شما کمک می‌شود؟ (۲) آیا فکر می‌کنید به عنوان بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری در کار کتابخانه از شما دعوت می‌شود؟ (۳) آیا فکر می‌کنید عضوی مؤثر در سازمان هستید که به عنوان عضوی از گروه در نظر گرفته شده و مورد تقدیر قرار می‌گیرید و در جهت رسالت سازمان کار می‌کنید؟ کلیه کتابداران در مصاحبه پاسخهای مثبت به سؤالها دادند. گاهی ممکن است یک آزمودنی گفته باشد که، «به جز در بعضی زمینه‌ها» یا «بیشتر اوقات و نه همیشه» اما به طور کلی کلیه آزمودنی‌ها معتقد بودند که اعضای مهم و مؤثر در سازمان بودند.

آخرین سؤال مربوط به قدرت در سازمان بود و این مسأله را مطرح می‌نمود که متخصصین، کارهای روزانه غیرتخصصی انجام می‌دهند و اگر چنین است چه مدت و یا به چه دلیل. نیمی از آزمودنی‌ها گفتند که کارهای غیرتخصصی نمی‌کنند یا فقط به میل خود این کار را انجام می‌دهند. یک کتابدار گفت،



منشی تلقی می‌کنند. البته چنین اتفاقی می‌افتد و تاکنون هم افتاده است». آزمودنی‌های دیگر دریافته‌اند که امکان یک «نگهبان مواد» شدن در دست خودشان است؛ «و اگر به یادگرفتن روی نیاورند، چنین اتفاقی خواهد افتاد».

«من فکر می‌کنم که این موضوع صحیح باشد. نمی‌توانید به محض ورود به یک محل نیازهای اطلاعاتی مراجعین را تشخیص دهید و همچنان غافل بمانید تا شما را غیر از منشی چیز دیگری تلقی نمایند». همین آزمودنی با تشخیص جالبی ادامه داد: «اما این جمله درباره «دانش قبلی» چیزی نمی‌گوید. «دانش قبلی» لازم نیست اما دانش لازم است».

آزمودنی‌هایی که با جمله «بلو» مخالفت کردند، در این امر حدیث داشتند. گروه مخالف ترکیبی از دو گروه آزمودنی را در بر گرفت، سه متخصص غیرموضوعی و چهار متخصص موضوعی. یک نظر مشترک این بود که، «من کاملاً مخالفم. دانش نظام نمایه‌سازی خیلی مهمتر از دانش موضوعی است، ما اینجا باید به مراجعین کمک کنیم تا به اطلاعات دست یابند نه آن که اطلاعات را تفسیر نماییم». بسیاری از پاسخهای متخصصان موضوعی عبارت بود از: کار ما پیدا کردن اطلاعات است و نه دانستن آن. «من نقش خودمان را به صورت رابطی بین فردی که نیاز به اطلاعات دارد و خود فرد می‌بینم».

سرانجام از آزمودنی‌ها خواسته شد تا درباره عامل تخصص تفسیری آزاد ارائه نمایند و درباره این که چه میزان با عملکرد این حرفه مرتبط بوده و نظرهای دیگری اگر دارند بیان کنند.

متخصصان غیرموضوعی پاسخهای مشابهی دادند. یک آزمودنی پیشنهاد کرد: «فکر می‌کنم یک مدرک بالاتر در یک تخصص موضوعی مفید است اما مشکل است بتوان دانشی جامع از همه چیز داشته باشیم، بنابراین اگر چه مفید است اما ضروری نیست». اظهارات دیگر عبارت بودند از: همه چیز در حال تخصصی شدن است تا حدی که یک متخصص نیز این روزها دانش کافی ندارد». «از اینها مهمتر این که یک کتابدار باید نشاط، اشتیاق، فعالیت و تمایل به یادگیری داشته باشد». آزمودنی دیگر چنین اظهار داشت: «تصور می‌کنم خیلی مفید باشد و گاهی ضروری، همیشه ضروری نیست اما همیشه مفید است».

متخصصان موضوعی به نظر می‌رسید سطح دانش خود را

«بعضی از کارها مهم‌تر هستند لذا کارهای روزانه انجام نمی‌شوند». آزمودنی دیگری گفت، «در چند سال اخیر تصمیم گرفتم میزان کارهای دفتری را که قبلاً انجام می‌دادم کم کنم و مقدار آن را به حداقل برسانم و در این باره خیلی جدی هستم».

نیمی از آزمودنی‌ها، سه متخصص موضوعی و سه متخصص غیرموضوعی گفتند که آنها همیشه کارهای روزانه غیرتخصصی انجام می‌دهند. مدت زمانش فرق می‌کند، از یک تا دو ساعت در روز تا یک روز کامل در هفته. «هرکدام از اینها برایم مفید هستند، مانند ارسال نتایج SDI و مرور بر مقالات و سریعتر از دیگران می‌توانم انجام دهم». این آزمودنی‌ها تأکید کردند که نمی‌توان از زیر انجام کارهای غیرتخصصی روزانه شانه خالی کرد. آنها آن را به عنوان بخشی از کار تلقی می‌کنند. یک آزمودنی گفت که، «هرکسی کارهای روزانه غیرتخصصی را انجام می‌دهد و این وضع همچنان ادامه دارد».

به طوری که واضح است نتایج بخش مربوط به قدرت در دو گروه تفاوت مشخصی ندارد. پاسخهای مشابه این فرض را بدست می‌دهد که آزمودنی‌ها بدون در نظر گرفتن دانش موضوعی خاص در موقعیت شغلی خود احساس قدرت می‌نمایند.

نتایج نهایی:

برای نتیجه‌گیری از مصاحبه‌ها، از آزمودنی‌ها خواسته شد تا نتیجه‌گیری‌هایی را ارائه نمایند. ابتدا از آنها خواسته شد تا در مورد جمله زیر نظر خود را ابراز کنند:

«بدون دانش در زمینه‌ای که مراجعین در آن رشته کار پژوهشی انجام می‌دهند، کار کتابداران احتمالاً محدود به یک نقش دفتری خواهد شد یعنی نگهبانان مواد»^{۱۴}.

این سؤال بیشترین مخالفت را بین آزمودنی‌ها ایجاد نمود. پنج تن از دوازده آزمودنی با این مطلب موافقت نکردند (سه متخصص غیرموضوعی، دو متخصص موضوعی)؛ همگی گفتند «تأیید» موضوع به معنای موجه جلوه دادن این عبارت است. «چنین چیزی ممکن است روی دهد. افراد می‌آیند و سؤالی می‌پرسند و تصور می‌کنند شما درباره آنچه صحبت می‌کنید اطلاعات دارید. اگر اتفاقاً شما سؤال کوچکی بکنید، آنها تصور می‌کنند شما چیزی نمی‌دانید و انتهای دیگر قضیه را در نظر می‌گیرند و آن موقع است که شما را به عنوان یک

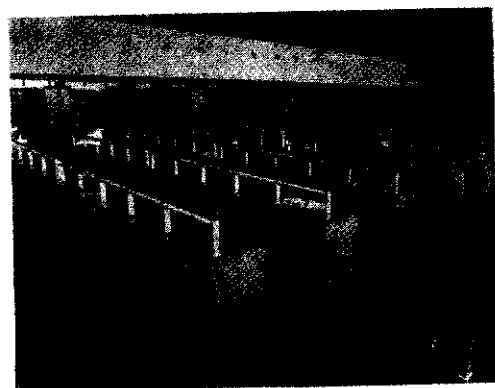


References

- 1- Blue, Richard I. "Pro Dual Competencies", ASIS Proceedings: 381 - 383 (1985).
- 2- White, Herbert S. Managing the Special Library. White Plains, NY: Knowledge Industry Publication, Inc. 1984.
- 3- Herubel, Jean - Pierre V.M. : The Ph.D. Librarian: A Personal Perspective," C & RL News 51 (no. 7): 626 - 628 (July/ August 1990).
- 4- Fisher, William. "Does Education for Special Librarianship Need to be, Special Education?" Education for Information 5 (no. 1): 15 - 25 (1987).
- 5- Kanter, Elizabeth Moss. "Power Failure in Management Circuits", in Lisa A. Mainiero and Cheryl L. Tromley, Developing Managerial Skills in Organizational Behavior: Exercises, Cases, and Reading, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 1989.

یادداشتها

- 1- Beth Liebman Gibbs. "Subject Specialization in the Scientific Special Library". in: Special Libraries, Winter 1993: P 1 - 8.
- ۲- مری گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
- 3- Subject Specialization
- 4- Non- Subject Specialists
- 5- Cross - disciplinary
- 6- On Line
- 7- System
- 8- Subject Specialists
- 9- Blue
- 10- Business card
- 11- Master's degree
- 12- Bibliographic Retrieval Services, Inc (BRS)
- 13- Kanter
- 14- Custodians of Material



به حساب نیاورند. به عنوان یک گروه با قاطعیت بیشتری اعلام داشتند که یک زمینه تخصصی ضروری نیست. «نظارت بر کارکنان مشکل ترین بخش کار من است. تمام تخصص موضوعی دنیا نمی تواند در این کار به من کمک کند». «من تصور می کنم به این مسأله که برای کار در یک کتابخانه علمی باید سابقه در آن رشته داشت بیش از حد بها داده شده به خصوص از نقطه نظر اداره واقعی یک کتابخانه». «من معتقدم که شما این کار را بدون داشتن مدرک تحصیلی بالا می توانید انجام دهید - این کار مفید است، در وقت شما صرفه جویی می کند، شما را یک قدم جلو می برد و البته هر کسی می تواند آن را یاد بگیرد». در عین حال مطرح نمودند که سیاستگذاران کتابخانه ارزش بیشتری برای مدارک بالاتر قائل هستند. «من از سابقه در زمینه یک رشته بینش هایی بدست آوردم». «تحرك زیادی در رشته من پدید آورده است، امکان ارتقاء برایم بیشتر است».

خلاصه:

به نظر می رسد یک مدرک تحصیلی بالا در یک تخصص موضوعی منافع متعددی دارد. می تواند یک فرصت شغلی ایجاد کند، در وقت صرفه جویی نماید، امتیازات سیاسی بوجود آورد، و پاسخ به یک سؤال مرجع را آسانتر نماید. با این حال در خیلی از زمینه ها اثری ندارد. آزمودنی ها نشان دادند که اطلاعات لازم برای انجام مطلوب کارها را می توان یاد گرفت، جذب نمود یا کسب کرد. یک کتابدار با داشتن سابقه در زمینه یک رشته در بعضی موارد خدمات بهتری را می تواند ارائه دهد، اما این زمینه ها بسیار محدود هستند و با تخصصی شدن دانشها این محدوده کوچکتر می شود به طوری که در خیلی از موارد به نظر نمی آید مسأله مهمی باشد. یکی از جالب ترین یافته های این مطالعه اعتقاد شدید متخصص موضوعی به این موضوع بود که دانش بالای آنها برای شغل آنها ضروری نبود. کلیه آزمودنی ها در موقعیت شغلی خود احساس اثربخشی و قدرت می نمودند. با کلیه آزمودنی ها برخورد خوبی می شد و با احترام با آنها رفتار می شد و از همه مهمتر از میزان دانشی که داشتند راضی بودند.